



آینده فرزندان ما را با هم میسازیم

جهت ارتباط با ما کلیک کنید

پشتیبانی لحظه ای محصولات



ورود به سایت مشق آنلاین



اینستاگرام مشق آنلاین



مشق آنلاین

شناسه نشر دیجیتال : ۱۳۴۶۶

مشخصات : کتاب دیجیتال با فرمت PDF

یادداشت

خرید و مشاهده مشخصات اثر به طور انحصاری در سایت:

MashghOnline.ir

ناشر دیجیتال مبتنی بر خط و مبتنی بر حامل های رایانه ای

نام کتاب : (آموزش درس پانزدهم فارسی کلاس ششم)

ناشر : مشق آنلاین

صاحب اثر : سید امیر بنی طبا

شناسه ثبت : 397842

کلیه حقوق چاپ و نشر این اثر برای وب سایت مشق آنلاین محفوظ است.

هیچ شخص حقیقی یا حقوقی حق چاپ یا انتشار تمام یا بخشی از این اثر را ندارد.

انتشارات مشق آنلاین دارای مجوز از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به شماره ۱۰۶۵۸۶۹۲۹۷۱۱ و پروانه نشر به شماره ۱۳۴۶۶ میباشد.

متخلفین به موجب بند ۵ از ماده ۲ قانون حمایت از ناشران تحت پیگرد قانونی قرار خواهند گرفت.



نمادها و صلاحیت ها





درس پانزدهم

فارسی کلاس ششم ابتدایی



درس ۱۵ : میوه ی هنر

قالب درس : قطعه

قالب قطعه : قطعه شعری است که مصرع های زوج آن هم قافیه اند. موضوع آن اخلاقی، اجتماعی، تعلیمی است.

ابیات قطعه از ابتدا تا پایان به یکدیگر مربوط اند و تعداد ابیات قطعه بین ۳ تا ۱۵ بیت است. اما گاهی این تعداد تا به ۵۰ بیت و بیش از آن هم رسیده است.

از میان شعرای پارسی گو، انوری، ابن یمین و پروین اعتصامی بیش از دیگران به این قالب پرداخته اند.

بیت اول: (یکی روز): به معنی یک روز، روزی (قید زمان)

پیام شعر میوه هنر: سرانجام بی ثمری و بی حاصلی، خواری و نابودی است.

شعر « میوه هنر » مناظره ای است بین سپیدار و تبر.

در این شعر از جان بخشی (جاندار پنداری، تشخیص) بهره گرفته شده است.

معنی شعر

آن قصه شنیدید که در باغ یکی روز
از جور تبر، زار بنالید سپیدار
آن داستان را شنیده اید که یک روز در باغی درخت سپیدار، از ستم تبر از روی ناتوانی بسیار ناله می کرد؟

کز من نه دگر بیخ و بنی ماند و نه شاخی
از تیشه ی هیزم شکن و ازه نجار
که از دست ازه نجار و تیشه ی هیزم شکن، برای من نه ریشه ای مانده و نه شاخی.

گفتش تبر آهسته که جرم تو همین بس
کاین موسم حاصل بودو نیست تو را بار
تبر آهسته به اوگفت: گناه تو این است که الان فصل میوه دادن است ولی تو میوه و ثمری نداده ای.
تا شام، نیافتاد صدای تبر از گوش
شده توده درباغ، سحر همیشه بسیار
تا شب صدای تبر هم چنان ادامه داشت و قطع نشد و صبح در آن باغ توده ای از هیزم جمع شده بود.
دهقان چو تنور خود از این همیه برافروخت
بگریست سپیدار و چنین گفت دگر بار
وقتی کشاورز (باغبان) تنور خودش را با آن هیزم روشن کرد، سپیدار گریه کرد و دوباره گفت:

آوخ که شدم هیزم و، آتشگر گیتی
اندام مرا سوخت چنین ز آتش ادبار
افسوس که به هیزم تبدیل شدم و دنیای سوزان (ستمگر) بدن مرا این چنین در آتش بدبختی سوزاند.
خندید براو شعله، کز دست که نالی
ناچیزی تو، کرد بدین گونه تورا خارخوار
شعله به او خندید و گفت: از چه کسی شکایت می کنی؟ بی ارزشی تو، تو را این گونه پست و حقیر کرده است.
آن شاخ که سر بر کشد و میوه نیارد
فرجام به جز سوختنش نیست سزاوار
آن درختی که رشد می کند ولی میوه نمی دهد، سرانجامش شایسته تر از این نیست که سوزانده می شود.
جز دانش و حکمت نبود میوه ی انسان
ای میوه فروش هنر این دگه و بازار
حاصل عمر انسان چیزی جز دانش و حکمت نیست. ای انسان، اگر دانش و هنری اندوخته ای حالا وقت ارائه ی آن است.
از گفته ی ناکرده و بیپهوده چه حاصل
کردار نکو کن که نه سودی ست زگفتار
سخن بیپهوده ای که به آن عمل نمی شود، چه فایده ای دارد؟ عمل و کار خود را درست کن و درست انجام بده که
در گفتار بی عمل سودی نیست.

آسان گذرد گرشب و روز و مه و سالت
روز عمل و مزد، بود کار تو دشوار
اگر شب و روز و ماه و سال تو به تنبلی و تن پروری بگذرد و کار مفیدی برای آخرت انجام ندهی، روز قیامت که
روز حساب اعمال و پاداش دادن است، کار تو دشوار می شود.

واژگان جدید

جور: ستم، جفا، زار: ناتوان، رنجور، ضعیف، بیخ و بن: ریشه، اصل، تیشه: ابزاری برای کندن، ادبار: بدبختی، نالی (نالیدن): شکایت کردن، خوار: پست، ذلیل، سربر کشیدن: رشد کردن، قد کشیدن، جرم: گناه، موسم: فصل، زمان، بار: ثمر، میوه، شام: شامگاه: شب، همیشه: هیزم، این دکه و بازار: کنایه از این که شرایط فراهم است، این گوی و این میدان، فلان: کلمه ای برای اشاره به کسی یا چیز نامشخص یا ناشناسی، فرجام: سرانجام، عاقبت، سزاوار: شایسته، درخور، دکه: مغازه، دکان، آوخ: آه، افسوس، دلتنگ: غمگین، افسرده، تنگدل، آتشگر گیتی: دنیایی که آتش می افروزد، بستاید (ستودن): تعریف کردن، ستایش کردن، خوبی کسی را گفتن

هم خانواده های درس

جرم : مجرم، جریمه، جرایم

حاصل: محصول، محصل، تحصیل، حصول

ادبار: مدبر

جاهل: جهل، جهالت، مجهول

کلمات مخفف (کوتاه شده)

مه : ماه ،	کاین : که این ،
پار : پارسال ،	که : کاه ،
گه : گاه ،	نکو : نیکو ،
دی : دیروز	و ...

قالب شعر : قطعه

شعری که قافیه ها در مصراع های زوج تکرار شده باشد

سپیدار ، نجّار ، ... ادبار ، خوار ، سزاوار ، ... ، دشوار قافیه های شعر اند که در مصراع های زوج آمده اند در این شعر آنچه بیشتر از هر چیزی به نظر می آید . استفاده پروین اعتصامی از صنعت تشخیص یا جان بخشی به اشیاء است .

پروین اعتصامی را استاد این صنعت می شناسند

تاریخ ادبیات

رخشنده اعتصامی معروف به (پروین اعتصامی) در ۵۲ اسفند ۱۳۲۲ در تبریز متولد شد و در ۵۲ فروردین ۱۳۵۱ در تهران از او یاد شده است « مشهورترین شاعر زن ایران » در گذشت و در قم به خاک سپرده شد . وی تنها کسی است که به عنوان پروین از کودکی فارسی، انگلیسی و عربی را نزد پدرش آموخت و از همان کودکی تحت نظر پدرش و استادانی چون دهخدا و ملک الشعراء بهار سرودن شعر را آغاز کرد . پدر وی یوسف اعتصامی، از شاعران و مترجمان عصر خود بود که در شکلگیری زندگی هنری پروین و کشف استعدادها، و ذوق و گرایش وی به سرودن شعر نقش مهمی داشت . او در بیست و هشت سالگی ازدواج کرد، اما به دلیل اختلاف فکری با همسرش، پس از چندی از او جدا شد . پروین بعد از جدایی، برای مدتی در کتابخانه دانشسرای عالی تهران به شغل کتابداری به کار پرداخت . پروین پیش از چاپ دومین نوبت از دیوان اشعارش، بر اثر بیماری حصبه در سی و پنج سالگی در تهران درگذشت پیکر وی در حرم حضرت معصومه (س)، در آرامگاه خانوادگی و در کنار آرامگاه پدرش ، به خاک سپرده شد .

نامگذاری شده است « روز بزرگداشت پروین اعتصامی » زادروز پروین اعتصامی (۵۲ اسفند ماه) ، به عنوان یکی از زیباترین شعر پروین اعتصامی شعر **اشک یتیم** است .

درک مطلب

- ۱- علت قطع کردن درخت سپیدار چه بود؟ چون در فصل برداشت، هیچ میوه‌ای نداشت.
- ۲- منظور شاعر از مصراع «کردار نکو کن که نه سودی ست ز گفتار» چیست؟ حرف زدن فایده‌ای ندارد، باید عمل و رفتار خوب داشته باشیم. (به عمل کار برآید به سخنرانی نیست)
- ۳- به نظر شما پیام این شعر چیست؟ دانش و حکمت محصول و ثمره‌ی انسان است و کسی که دانش و حکمت نداشته باشد، مانند درختی است که میوه و محصول ندارد.
- ۴- به نظر شما درخت سپیدار هیچ فایده‌ای ندارد؟ دلیل خود را بیان کنید. بعضی از فایده‌های درخت سپیدار عبارت‌اند از: تولید اکسیژن، ایجاد سایه، محلی برای لانه سازی پرندگان و استفاده از چوب آن، همچنین و بعضی شاعران نیز، این گونه درختان بی میوه را آزاد و رها از تعلقات دنیا می‌دانند.

دانش زبانی

الف) کلمه‌ی «آوخ» که در درس خواندیم یک واژه است؛ اما معنای یک جمله‌ی کامل را بیان می‌کند. گاهی برای حالت‌هایی مانند آرزو، اندوه و شادی از کلمه‌هایی مانند ای کاش، افسوس، آفرین، آوخ و... استفاده می‌کنیم. این کلمات را **شِبْه جملہ** می‌گویند. این کلمات، اجزای یک جمله را ندارند ولی معنای یک جمله‌ی کامل را بیان می‌کنند.

شبه جمله یعنی شبیه یک جمله.

ب) به کلمه‌های زیر توجه کنید:

پار پارسال

دی دیروز

مه ماه

گاهی شاعران از کلمات کوتاه شده‌ای مانند «پار، دی، مه، گه و شه» استفاده می‌کنند.

شبه جمله: منظور از شبه جمله، کلمه یا گروهی از کلمات اند

که غالباً برای بیان حالات عاطفی گوینده‌ی کار می‌روند و همچون جمله، پیامی را از گوینده به خواننده منتقل می‌سازند؛

اما چون برخلاف جمله، از دو بخش نهاد و گزاره، تشکیل نشده‌اند، «شبه جمله» نامیده می‌شوند.

مثال: دوری و دوستی، من و دروغ!

صوت کلمه‌ای است که نقش فعل یا جمله را بازی می‌کند،

بی آنکه شکل آنها را داشته باشد و برای بیان عواطف و احساسات، به کار رود.

در برخی از کتا بهای دستوری، شبه جمله، **اصوات** نامیده شده است.

برای بیان حالات روحی و درونی چون شادی، تعجب، درد، افسوس و مانند آنها

از کلماتی همچون به به، وه، آه، آوخ و جز آنها استفاده می‌شود که به آن «شبه جمله» یا «صوت» می‌گویند.

حکایت : افلاطون و مرد جاهل

گویند روزی افلاطون نشسته بود. مردی نزد او آمد و نشست و شروع کرد به حرف زدن.

در میانه‌ی سخن، گفت: «ای حکیم! امروز فلان مرد را دیدم که سخن تو می‌گفت و تو را دعا می‌کرد و می‌گفت:

افلاطون، بزرگ مردی است که هرگز کس چون او نبوده است و نباشد. خواستم که شکر و سپاس او را به تو رسانم»

می‌گویند یک روز افلاطون در جایی نشسته بود. مرد نادانی به پیش او آمد و شروع به صحبت کرد. در بین حرف‌های خود گفت: «ای خردمند! امروز فلانی را دیدم که درباره تو صحبت می‌کرد و در حق تو دعا می‌کرد و می‌گفت: افلاطون مرد بزرگی است که هرگز کسی مانند او نبوده و نخواهد بود، خواستم تعریفی که از تو کرد را به تو بگویم» افلاطون چون این سخن بشنید، سر فرو برد و بگریست و سخت دلتنگ شد.

افلاطون وقتی این صحبت‌ها را شنید سر خود را پایین انداخت و شروع به گریه کرد و بسیار ناراحت شد.

این مرد گفت: «ای حکیم! از من چه رنج آمد تو را که چنین تنگدل گشتی؟»

آن مرد گفت: «ای مرد خردمند! چرا از من رنجیدی و این گونه ناراحت شدی»

افلاطون گفت: «از تو رنجی به من نرسید ولیکن برای من از این بدتر چیست که جاهلی مرا بستاید»

افلاطون گفت: «تو باعث رنجیدن من نشدی ولی برای من چه چیزی می‌تواند از این بدتر باشد که شخص نادانی از من تعریف کند»

چرا هنگامی که افراد نادان از ما تعریف می‌کنند، نباید خوشحال شویم؟

وقتی افراد نادان از انسان تعریف می‌کنند حتماً ما کار جاهلانه‌ای انجام داده‌ایم که مورد پسند آن‌ها واقع شده است بنا بر این نباد خوش حال بشویم.

واژگان جدید

جاهل: نادان، **فلان**: اشاره به فرد یا چیز نامعلوم، **سخن تو می‌گفت**: درباره تو حرف می‌زد، **خواستم که شکر و سپاس او را به تو رسانم**: خواستم که تشکر و قدردانی و سپاسگزاری او را به گوش تو برسانم، **سر فرو برد**: سرش را پایین انداخت، **سخت دلتنگ شد**: بسیار ناراحت شد، **از من چه رنج آمد تو را که چنین تنگدل گشتی؟**: من چه کاری کردم که باعث رنجیدن و ناراحتی تو شده است؟، **ولیکن**: ولی، **جاهل**: نادان، **مرا**: من را، **بستاید**: تعریف و تمجید کند - ستایش کند

پیام حکایت افلاطون و مرد جاهل

این حکایت دانش آموزان را با رفتار بزرگانی چون افلاطون آشنا می‌کند. همچنین چاپلوسی را مورد نکوهش قرار می‌دهد و موجب تقویت عزت نفس و بی توجهی به تملق‌های بی پایه و اساس می‌گردد

تمرین کلاسی (درس ۱۵)

۱- نقش دستوری کلمه های مشخص شده را بنویسید.

دهقان چو تنور خود از یان همه بر افروخت

۲- در شعری که خواندید یک نمونه آرایه ی شخصیت بخشی بیابید و آن را توضیح دهید.

۳- پایان داستان ((درخت علم)) را به دلخواه بازنویسی کنید.

۴- فهم خود را از ضرب المثل مار گزیده از ریسمان سیاه و سفید می ترسد در یک بند

بنویسید.

۵- دو جمله از درس قبل که خوانده اید پیدا کنید که علامت نگارشی زیر را داشته باشند؟

۶- در بیت زیر کلمه های کوتاه شده را پیدا کنید و بنویسید.

دی کودکی به دامن مادر گریست زار کز کودکان کوی به من کس نظر نداشت

۷- تعداد جمله ها را در عبارت زیر بنویسید.

ای مردم! بدانید که حق بر بال پیروز می شود و با ت ش شما ، می توانیم دشمن را شکست دهیم.

۱- برای هر کلمه صفت یا مضاف الیه مناسب از درس پیدا کنید و بنویسید.

میوه ی صدای همه ی

۲- تحقیق کنید و بنویسید که پروین اعتصامی اهل کجا بود .

۳- یکی از اتفاق های به یاد ماندنی کلاس خود را بنویسید.

۴- در عبارت های زیر شبه جمله را مشخص کنید.

آوخ که شدم هیزم ای میوه فروش هنر ، این دکه و بازار

تاریخ:

نام آموزگار:

آزمون درس پانزدهم (فارسی)

کلاس ششم ابتدایی

نام:

نام خانوادگی:

معانی درست کلمات را بنویسید

جور : زار : بیخ :

موسم : حاصل : توده :

معانی ابیات زیر را بنویسید

آوخ که شدم هیزم و، آتشگر گیتی اندام مرا سوخت چنین ز آتش ادبار

.....

خندید بر او شعله، که از دست که نالی؟ ناچیزی تو، کرد بدین گونه تو را خوار

.....

آن شاخ که سر بر کشد و میوه نیارد فرجام، به جز سوختنش نیست سزاوار

.....

در ابیات زیر کلماتی افتاده آنها را یاب

آن شنیدید که در باغ ، یکی رو از جور زار بنالید سپیدار

کز من نه دگر بیخ و بنی ماند و نه شاخی از تیشه ی شکن و نجار

گفتش تبر آهسته که تو همین بس کاین حاصل بود و نیست تو را بار

جملات را با توجه به کلمه داخل کمانک تغییر بده

شما این ماشین را می خواهید (خواسته بودند)

.....

هم خانواده بنویس

حکمت: جاهل:

عمل: شکر:

متضاد بنویس

جور \neq زار \neq بیخ \neq

دبار \neq خوار \neq فرجام \neq

در بیت (دهقان چو تنور خود از این همه برافروخت
بگریست سپیدار و چنین گفت دگر بار) کلمه خط کشیده شده
به چه معناست؟

در بیت (آسان گذرد گر شب و روز و مه و سالت
روز عمل و مزد، بود کار تو دشوار) کلمات گر و مه مخفف
شده چه کلماتی هستند؟

- چرا هنگامی که افراد نادان از ما تعریف می کنند، نباید خوشحال شویم؟

- منظور شاعر از مصراع کردار نگو کن که نه سودی ست ز گفتار چیست؟

.....

معانی درست کلمات را بنویسید

جور : ستم، ظلم زار : ناتوان، ضعیف، نحیف بیخ : بُن، تم، ریشه، بنیاد
 موسم : فصل، وقت، هنگام حاصل : میوه، ثمر توده: مقدارزیاد

معانی ابیات زیر را بنویسید

آوخ که شدم هیزم و، آشگر گیتی اندام مرا سوخت چنین ز آتش ادبار
 افسوس که به هیزم تبدیل شدم و جهان آتش افروز، بدن مرا این چنین از آتش بدبختی و بیچارگی سوزاند.
 خندید بر او شعله، که از دست که نالی؟ ناچیزی تو، کرد بدین گونه تو را خوار
 شعله به او خندید و گفت از چه کسی شکایت می کنی؟ بی ارزش بودن تو، تو را اینگونه پست و حقیر کرد.
 آن شاخ که سر بر کشد و میوه نیارد فرجام، به جز سوختنش نیست سزاوار
 آن شاخه ای که رشد می کند ولی میوه نمی دهد، در نهایت شایسته ی چیزی به جز سوختن نیست.

در ابیات زیر کلماتی افتاده آنها را بیاب

آن قصه شنیدید که در باغ، یکی رو از جور تبر زار بنالید سپیدار
 کز من نه دگر بیخ و بنی ماند و نه شاخی از تیشه ی هیزم شکن و اره ی نجار
 گفتش تبر آهسته که جرم تو همین بس کاین موسم حاصل بود و نیست تو را بار

جملات را با توجه به کلمه داخل کمانک تغییرده

شما این ماشین را می خواهید (خواسته بودند)
 آنها این ماشین را خواسته بودند

حکمت: حکیم، حاکم، محکوم

جاهل: مجهول، جهالت، جاهلان

عمل: عامل، معمول، عوامل

شکر: شاکر، تشکر، متشکر

متضاد بنویس

جور \neq داد، عدل

زار \neq قوی

بیخ \neq سر

دبار \neq خوشبختی

خوار \neq عزیز

فرجام \neq آغاز، ابتدا

دریبت (دهقان چو تنور خود از این همه برافروخت

بگریست سپیدار و چنین گفت دگر بار) کلمه خط کشیده شده

به چه معناست؟ دیگر

در بیت (آسان گذرد گر شب و روز و مه و سالت

روز عمل و مزد، بود کار تو دشوار) کلمات گر و مه مخفف

شده چه کلماتی هستند؟ گر مخفف اگر و مه مخفف و کوتاه شده ماه

- چرا هنگامی که افراد نادان از ما تعریف می کنند، نباید خوشحال شویم؟

زیرا ممکن است افراد نادان از اشخاصی که مانند خودشان نادان هستند تعریف و تمجید کنند و

شاید تعریف افراد نادان از ما نشانه‌ی این باشد که ما کار اشتباهی مرتکب شده ایم

- منظور شاعر از مصراع کردار نگو کن که نه سودی ست ز گفتار چیست؟

یعنی رفتار و عملت را درست کن که سخن گفتن بدون عمل هیچ فایده‌ای ندارد.

والدین و مربیان گرامی

- محصولی که در دست دارید دارای مجوز نشر و ثبت شده در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی می‌باشد.
- در صورت کپی برداری، فروش، ارسال، برداشتن لوگو یا انتشار آن برای دیگران، طبق قوانین جرایم رایانه‌ای با شما برخورد خواهد شد و شما موظف به جبران خسارات وارده به انتشارات مشق آنلاین خواهید بود.
- مربیان و مدارس مجاز به حذف لوگو مشق آنلاین از محصولات **نیستند** لذا می‌توانیم در صورت خرید قانونی از سایت مشق آنلاین، لوگو درخواستی شما را طبق نظر شما به صورت رایگان در محصولات قرار دهیم.



نمادها و صلاحیت‌ها

